

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباوچ

ربی مناخم مندل شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

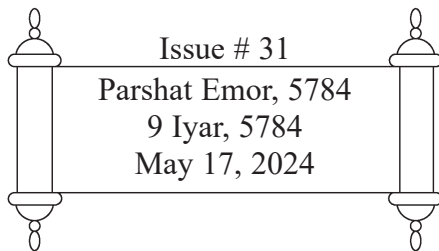
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center



Friday, May 17, Light Shabbat Candles, by 7:31 p.m.
Saturday, May 18, Shabbat ends at 8:35 p.m.
(Times are for Los Angeles)

فرار از گناه وجود دارد نیاز بیشتری به کمک خداوند برای تبدیل بدی به خوبی وجود دارد. برای رسیدن به چنین هدفی به آنچنان نیروی معنوی احتیاج است که بتواند وارد درون بدی بشود بدون آنکه خود تغییر کرده و بد بشود.

شبات منبع این چنین نیروی معنوی و نقطه اوج هفته می باشد ولی هنوز به روزهای هفته متعلق بوده و به زمان بستگی دارد و در نتیجه محدود است^{۲۱} فردای شبات اشاره به مرحله ای فراتر از شبات می کند که آنسوی زمان قرار دارد آن مرحله ای که بالاتر از محدودیت های جهان است.

شمارش چهل و نه روز عومر به معنای مقدس کردن همه احساسات انسانی می باشد. در انجام این عمل ما می بایست کوشش مان را در مقدس کردن "فردای شبات" جایی که نور الهی ای فراتر از دنیا وجود دارد قرار دهیم.

(Source: Likkutei Sichot,
Vol. 1, pp. 265-270)

(منبع - لیکوتی سیخوت جلد اول ص ۲۶۵ الی ۲۷۰)

۲۱- برای توضیح بیشتر به صفحه ۱۴۹ رجوع شود

JEWISH CHILDREN:
Get your own letter
in a Sefer Torah!
<http://www.kidstorah.org>

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:
CPY & Moshiach Awareness Center,
Chabad Persian Youth
9022 W Pico Boulevard.
Los Angeles, CA 90035
Tel.: (310) 777-0358
Fax: (310) 777-0357
<http://www.cpycenter.org>
e-mail: cpycenter@sbcglobal.net
Rabbi Hertzel Peer, Executive Director
Enlightenment For The Blind, Inc.
a Project of:
602 North Orange Drive.
Los Angeles, CA 90036
Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
<http://www.torah4blind.org>
e-mail: yys@torah4blind.org
Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director
Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

امور

آماده سازیم .

۷- هر روز

ربانیم می گویند "در هر دوره ای و در هر روزی انسان می بایست اینطور تصور کند که او خودش در آن روز از مصر خارج شده است"^{۱۹} . به این ترتیب هریک از سه مرحله خروج از مصر قسمت هایی از وظیفه روزانه ما هستند.

در ابتدای دعای روزانه مان می گوئیم "ما از حضور تو تشکر می کنیم. (مُوده ائی) " این تشکر، این تسلیم و رضا به درگاه الهی که مافوق فهم و درک ماست در واقع همچون ماه نیسان برای آن روز و برای خروج یک یک ما از مصر است .

بعد از آن، مدح و ستایش خداوند شروع (بسوقی دزیمرا) می شود دعایی که تمرکز فکر لازم دارد و فهم و درک می خواهد . در "بشنو ای بیسرائل" اولین کلمه "شَمع" به معنای درک کردن است و از طریق این درک ، آن احساس و عشق به خداوند "با تمامی قلبت با تمامی جانت و با تمامی هستی ات" در وجود ما بیدار میشود و این مساوی با روزهای ماه ایثار و شمردن عومر برای آن روز است .

اما تا اینجا اینها همه نشان دهنده ستیز انسان در مقابل نیمی از وجود اوست نیمه حیوانی طبیعت او بتیول هیش . هنوز نفی نهایی خودهشیاری انسان بتیول بمتزیوت که در زمان عمیدا "لحش" اتفاق می افتد انجام نشده است^{۲۰} و این زمانی است که ما "خودی" نداریم که توسط آن دهان باز کنیم و ما خالی از کلمات بوده و می گوئیم "ای خداوند دهانم را بگشا" و این همچون ماه سیوان آن روز میباشد زمانی که ما همچون بیسرائل ها در پای کوه سینیای در مقابل حضور کامل خداوند ایستاده ایم.

۸- بعد از شبات

حالا ما می فهمیم که چرا تورا بجای آنکه به ما بگوید "از فردای بعد از پسخ" می گوید "از فردای بعد از شبات" بخاطر آنکه برای تغییر جهت دادن انرژی های روح حیوانی می بایست از عمیق ترین قدرت های روحانی استفاده کرد. برای خارج کردن بیسرائل ها از چنگال گناه به چیزی بیش از قدرت فرشته خداوند نیاز است و آن وجود خود خداوند است. اگر چنین نیازی برای

بحث و مجادله ای تاریخی ملین ربانیم و گروه های از یهودیان در مورد زمان انجام دستور شمارش "عومر" وجود داشته است. "و تو باید برای خودت از فردای بعد از شبات بشماری" ربانیم معتقدند که در اینجا شبات به معنای پسخ می باشد و آن گروه ها عنوان می کنند که این شبات همان روز هفتم است . بنابراین آنها همیشه شمارش "عومر" را از روز یکشنبه آغاز می کنند. اگر چه ربانیم گفته خودشان را ثابت می کنند ولی چرا این دستور طوری داده است که سوء تفاهم ایجاد کند و باعث چنین بحث و مجادله ای بشود؟ در جواب به این سؤال این مبحث از خروج مصر تا دریافت تورا را به سه مرحله تقسیم می کند و این مراحل را هم به عنوان یک واقعه تاریخی و هم به عنوان حقایقی از زندگی روزانه هر فرد یهودی مورد بررسی قرار میدهد.

۱- فردای بعد از

در پاراشای امور دستور شمارش "عومر" به این ترتیب آمده است^۱ "و تو باید برای خودت از فردای بعد از شبات از روزی که اولین محصولت را می آوری بشماری . هفت هفته کامل باشد" ، در تلمود آمده است^۲ که گروه بوعتوزیان کلمه شبات را به معنی "روز هفتم" تفسیر می کنند و نه به عنوان "روز استراحت" که پسخ می باشد. در نتیجه آنها می گویند که شمارش عومر همواره باید از روز یکشنبه آغاز بشود. بحث های طولانی در این مورد میشود و ربانیم دلایل بسیاری می آورند که ثابت کنند که این گروه ها اشتباه می کنند. ولی هنوز سؤال باقی است که چرا تورا اینگونه این مطلب را عنوان می کند که امکان برداشت اشتباه وجود داشته باشد. در حالی که می توانست بسادگی بگوید "از فردای بعد از پسخ"؟

۲- سه ماه

در پاراشای شموت^۳ خداوند به مُشه می گوید "زمانی که تو بیسرائل ها را از مصر بیرون بیاوری شما همگی خداوند را در پای این کوه عبادت خواهید کرد" به عبارت دیگر هدف از خروج از

مصر همان اهداء تورا به یسرائیل ها بوده است . ما بین زمان خروج از مصر و اهداء تورا در کوه سینای هفت هفته عومر واقع می شود. این هفت هفته دوران مابین شروع نجات و خاتمه نجات از مصر می باشد.

این هفت هفته یعنی این دوره سه ماه را شامل میشود:

ماه نیسان که در آن خروج از مصر اتفاق افتاد ماه ایبار که شمارش عومر تمامی ماه را در بر می گیرد و ماه سیوان که در آن تورا به بنی یسرائیل اهداء شد. و فقط این سه ماه هستند که در ماجرای خروج از مصر به وضوح از آنها یاد شده است. در مورد نیسان نوشته شده است ^۴ "ماه بهار ... که در آن از مصر خارج شدی". در مورد ایبار گفته شده است ^۵ "دومین ماه ... بعد از آنکه از سرزمین مصر خارج شدند". و در مورد سیوان آمده است ^۶ "در سومین ماه بعد از آنکه بنی یسرائیل از مصر خارج شدند". هر سه این ماه ها بخاطر اینکه جزء جدا نشدنی خروج از مصر هستند در تورا ذکر شده اند.

۳- سه نوع خوراک

در این سه ماه به سه نوع خوراک نیز اشاره شده است . پسح یا خوردن مصادر رابطه است. عومر ^۷ که مقدار معینی جو می باشد و شاووعوت که دو قرص نان را که از آرد نرم شده در روغن درست ^۸ شده بود را تقدیم می کردند. یعنی مصا، جو و نان .

در هدایای خوراکی که برای خداوند می آوردند فقط دو نوع هدیه خوراکی وجود داشت که از آرد درست نشده بود. یکی عومر که از "جو" بود و دومی هدیه یا قربانی زنی بود که شوهرش نسبت به وفاداری او مشکوک شده بود که آن هم از "جو" بود و در تلمود در مورد آن می گوید. ^۹ هدیه یا قربانی این زن می بایست از خوراک حیوانات باشد که سمبل عمل حیوانی است که او انجام داده است . ولی چرا "عومر" می بایست از خوراک حیوانی یعنی "جو" باشد؟

در پسح برای ما ممنوع شده است که از آرد و رآدمه استفاده کنیم برای آنکه و رآدمگی آرد سمبلی از غرور و تکبر انسان است همانگونه که خمیر آرد را و رآدمه می کند همانگونه هم غرور انسان را متکبر و احمق می کند. ولی اگر این چنین است پس چرا در بقیه روزهای سال به ما اجازه داده شده است که نان خمیر بخوریم؟ و حتی ما می بایست در بت همیقداش در ایام شاووعوت نان خمیر شده بخوریم؟

۴-شموت ۱۵-۲۳ ۵-بمیدبار ۱-۱ ۶-شموت ۱-۹ ۷-سوطا ۱۴ الف
۸-ویقرا ۱۷-۲۳ مناخوت ۵۴ ب ۹-سوطا ۱۴ الف

میشود زمان تفکر ، تعمق و تسلیم پیش می آید و این زمانی است که دیگر دو جنبه وجود انسان ، جنبه الهی و جنبه حیوانی برای تصاحب او با هم در ستیز نبوده و روح موفق شده و این طبیعت فیزیکی، انرژی اش را به قسمت های الهی و روحانی طبیعت انسان منتقل می کند. به همین علت پاسوق ادامه میدهد که "ما بدنبال تو خواهیم دوید". ما خواهیم دوید چرا که عبادت ما به وسیله اضافه شدن این منبع انرژی و نیروی جدید تسریع می شود. ما بدنبال تو خواهیم دوید چرا که این ما هستیم و نه خداوند که آغازگر این حرکت میباشیم و کلمه ما که جمع است اشاره به این مطلب می کند که هر دو جنبه طبیعت ما در کوشش و تلاش برای رسیدن به خداوند با یکدیگر همکاری کرده و هر کدام به دیگری انگیزه و اشتیاق میدهد.

۶- مرحله نهایی

هنوز مرحله دیگری نیز وجود دارد. در خروج بنی یسرائیل از مصر این خواسته خداوند است که خود را نشان میدهد و در مدت عومر این جواب انسان به خواسته خداوند است که خود را نمایان می کند. اما در اعطاء تورا تمامی وجود انسان در مقابل خداوند نفی می شود. درست است که در مدت چهل و نه روز او در حال تغییر دادن خود است . ولی او هنوز این "خود" را دارد. او هنوز از نیروهای "خود" استفاده می کند و بر "خود" متکی است . اما در پای کوه سینای در حضور خداوند "با هر کلامی که از دهان خداوند خارج میشود روح همه یسرائیل ها از وجودشان خالی می شد" ^{۱۷} . دیگر آنها از "خود" خالی شده و تنها چیزی که واقعیت داشت فقط خدا بود.

به این علت است که در پسح ما نان و رآدمه نمی خوریم . در نهایت تا زمانی که غرور و تکبر هنوز قدرتش باقی است می بایست با آنها مقابله کرد و آنها را شکست داد . با آنها نمی توان با عقل و منطق وارد ستیز شد، برای آنکه آنها منطق را وارونه جلوه میدهند و "برای انجام گناه بسیار زیرک هستند" ^{۱۸} .

در مرحله "عومر" ما از فهم و درایت خودمان استفاده می کنیم تا به احساساتمان جهتی دیگر بدهیم. ما از خمیر مایه وجودمان استفاده می کنیم تا خودمان را عوض کنیم .

و در ایام شاووعوت زمانی که ما در نهایت صافی و پاکی به مخلوند نزدیک می شویم ما می بایست از خمیر مایه خود استفاده کنیم تا تمامی قسمت های وجودمان را به عنوان راهی برای دریافت نور الهی

از وجود بیسرائل ها را تحت تاثیر قرار داد و تنها روح آنها از این واقعه متاثر شد ولی در عشق مادی و طبیعت فیزیکی شان تغییری حاصل نشد.

۵- عقل و عشق

هدف خروج از مصر و اهداء تورا آن است که روح انسان، طبیعت فیزیکی انسان را هم تحت تاثیر قرار بدهد. اگر هدف از آفرینش انسان^{۱۳} آن است که انسان به روح مطلق تبدیل بشود پس دیگر چه احتیاجی به جسم مادی است؟^{۱۴} هدف از زندگی مذهبی در این دنیا این است که این طریق زندگی همه گونه ها و زوایای طبیعت انسان را تبدیل به یک پدیده و ساخته الهی بکند. و "تو می بایست خداوند خالقت را با تمامی قلبت دوست بداری" کلمات با "تمامی قلبت" به معنای با هر دو تمایلات (معنوی و مادی) می باشد.^{۱۴} و این شرکت دادن تمامی تمایلات انسان در دوست داشتن راستین خداوند نه فقط طبیعت فیزیکی وجود انسان را بالا می برد بلکه با اضافه شدن و کمک این انرژی (عشق مادی) زندگی معنوی او نیز ارتقاء پیدا می کند.^{۱۵}

انسان به عنوان یک موجود صرفاً منطقی، دارای احساسات نمی باشد. انرژی حیوانی و خواسته های مادی او بوسیله کنترل منطقی، که او بر آنها اعمال می کند سرکوب می شود. اما این انرژی حیوانی چه در انگیزه های غریزی انسان و چه در حیوان، نیرویی تازه و بسیار^{۱۶} قدرتمند است. زمانی که از نیروی یک گاو استفاده می شود حاصل بسیار زیاد می شود. زمانی که قدرت حیوانی، غریزی انسان، دیگر با روح او در ستیز نبوده بلکه تسلیم آن شده است تمامی عشق و انرژی بسیار زیاد آن به حوزه و جنبه های زندگی روحانی منتقل می شود.

به همین علت است که "عومر" از "جو" یعنی غذای حیوانی آورده میشود. که آن سمبل مرحله ای بود که بنی بیسرائل باید با زحمت و کوشش از آن مرحله می گذشتند، و با گذشتن از آن، روح حیوانی شان که در خروج از مصر دست نخورده باقی مانده بود متاثر شده و تغییر جهت میداد.

این عمل در این زمان چگونه انجام میشود؟ بوسیله تفکر و تعمق. تفکر و تعمق در طبیعت و ذات خداوند که احساس عشق و ترس را در انسان بیدار می کند. ابتدا زمانی که انسان درک می کند که هنوز غرور، سرکشی و صفات حیوانی، در وجود او قدرت دارند، و می بایست از آنها فرا ر کند و این دوران دوران سرکوب خوانده میشود. اما زمانی که انسان از دنیای وسوسه ها خارج

۱۳- تنیا بخش اول فصل ۳۷ ۱۴- دواریم ۵-۶ براخوت ۵۴ الف

۱۵- رجوع شود به صفحات ۱۴۱-۱۴۰ ۱۶- امثال سلیمان ۴-۱۴

۴- مرا بدنبال خودت بکش ما بدنبال تو خواهیم دوید.

در سرود سرودهای سلیمان (شیر هشریم) آمده است که^{۱۰} "مرا بدنبال خودت بکش، ما بدنبال تو خواهیم دوید. پادشاه مرا به اطاق خودش می آورد". هریک از سه قسمت این پاسوق اشاره به سه مرحله از خروج از مصر می کند، "مرا بدنبال خودت بکش". اشاره به آغاز خروج از مصر می کند. "ما بدنبال تو خواهیم دوید" اشاره به شمردن روزهای عومر و "پادشاه مرا به اطاق خودش می آورد" اشاره به دادن تورا به بنی بیسرائل دارد.

کلمه عبری که در فارسی "مرا بکش" ترجمه شده است (ماشخینی) در واقع فعل مجهول و مفرد است و به معنای "کشانیده می شوم" می باشد و اشاره به قوم بیسرائل می کند که بوسیله خداوند از مصر بیرون کشانده می شدند در حالیکه "بدنبال تو می دویم" فعل معلوم و جمع است.

بنی بیسرائل در اواخر بردگی شان در مصر به تمامی روش های زندگی مصری آلوده شده و لیاقت نجات و خروج از مصر را نداشتند آنها می بایست بوسیله خداوند از بردگی مصر بیرون کشانده شوند و از آنجا که از نظر درونی^{۱۱} آمادگی چنین نجاتی را نداشتند این نجات الهی تمامی جنبه های وجود آنها را تغییر نداد^{۱۲} و بیشتر از آنکه ایمان و اعتقادشان به آنها پایداری بدهد این خداوند بود که آنها را استوار نگهداشته بود و اگر چه روح الهی آنها تحت تاثیر این مدد الهی واقع شده بود روح حیوانی شان تغییری نکرده بود. قسمتی از وجودشان ظهور خداوند را احساس کرده بود اما قسمت دیگر بدون تاثیر باقی مانده بود. در واقع به همین علت است که بیسرائل ها از مصر فرار کردند همانگونه که رابای لوبایوچ می گوید^{۱۳} "آنها از آن ظرفیت های بد و نیروهای بدی که در وجود خودشان بود فرار کردند".

به این ترتیب ما معنای کلمه "مرا بکش" را درک می کنیم. اولاً وقتی که ما با گرفتن چیزی یا شیئی مالک آن می شویم. در این مرحله هیچ چیز در آن شیئی عوض نشده است بلکه فقط از این دست به آن دست شده است در مورد خروج از مصر. بیسرائل ها بجای اینکه در دست فرعون و متعلق به فرعون باشند در دست خداوند قرار گرفتند و متعلق به خداوند شدند. در وجود بیسرائل ها تغییری ایجاد نشد.

ثانیاً کلمه "مرا بکش" (ماشخینی) فعل مجهول بوده به معنای آن است که کشانیده شدن از مصر بوسیله خداوند صورت گرفت و نه بوسیله خود بیسرائل ها. آنها در این امر هیچ نقشی از خود نداشتند.

ثالثاً این که این فعل مفرد است به معنای آن است که این کمک و مدد ناگهانی الهی تنها فقط یک قسمت

۱۰- تنیا بخش اول فصل ۳۱

۱۱- توضیح بیشتر در صفحات ۱۶۲-۱۶۱

۱۲-۱۴